

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید

۰۴ جنوری ۲۰۱۷

یادآوری دو - سه نکته ضروری

یک: نوشته های مرا عنوانی محترم "قیس کبیر" نصیحت های پدرا نه خواندن اندیشه مناسبی نیست. زیرا آنچه من به ایشان نوشتم تنها وجهه توصیه دوستانه را داشت. از این نکته که بگذریم، توصیه - یا نصیحت در موارد خاص - تنها کار پدران نیست، بلکه کار هر انسانی می باشد، که خواهان حفظ ارزش های اخلاقی - اجتماعی، کاستن کشیدگی ها میان انسان ها، جنبه رهنمائی و اصلاح برخی نقیصه ها در دیگران، به خصوص در آنانی که رابطه نزدیک تر با ایشان وجود دارد، است.

دوستان، خواهر و برادر و مادر و...، حتی اعضای خرد و کلان خانواده های یک یا دو پایه دور تر و بزرگان و ریش سفیدان نیک پندار و پاکیزه خوی گذر و محل، در جوامعی که بیشتر معنوی هستند حتا کسانی که اصلاً با هم شناخت ندارند به دیگران، خواه بزرگ و خواه کوچک، از توصیه های لازم و نصایح ضروری، حسب یک مسؤولیت اخلاقی - دینی دریغ نمی کنند - خلاف بعضی از ریش سفیدان امروزی که خود موجب بروز آزدگی و کدورت و اختلاف و گاه گمراهی می شوند.

هدف من رفع غائله میان دو - سه سایت بود. چندین هفته قبل از این که به جواب یادداشت کوتاه آقای "قیس کبیر" بپردازم، به سایت "آریانا افغانستان" نوشته بودم که اگر ممکن باشد در زمینه مبارزه با تهاجم فرهنگی بیگانه که مبنای آن در حال حاضر و در سایت نامبرده نوشته ای بود از آقای "سراج و هاج" عزیز، با صاحبان سایت های دیگر، از جمله با آقای "قیس کبیر"، در تماس شوند و کار مشترکی را آغاز نمایند، که ایشان آن نوشته را که برای درجه نظریات نوشته شده بود - سومین یا چهارمین نظر - با ملاحظاتی که نزد خود شان موجود بود، نشر نمودند.

بهررو، اگر آنچه را من با آقای "قیس کبیر" در میان گذاشتم، نصیحت پدرا نه هم بوده باشد، به فکر من کار نادرستی نبود که آن را مورد طعنه یا نکوهش قرار بدهیم. فکر می کنم خواباندن دیو شر به مراتب بهتر خواهد بود از بیدار کردن آن.

من با اخلاق آقای "قیس کبیر" کدام مشکلی نداشتم؛ گله من از ایشان همواره این بود که اجازه نشر بحث هائی را در افغان جرمن می دادند که سبب بروز اختلافات بیشتر و در نتیجه به انحراف کشاندن کار سالم و سازنده قلمی - فکری و ضیاع وقت پرربار نویسندگان سالم الرأی می شد!

دو: من در مورد "شاه امان الله خان" مرحوم همیشه نظر مثبت داشته و دارم. شاه خوبی بود که ما قدر او را ندانستیم، و گذاشتیم جامعه دکاندار و متعصب دینی ما که یا برداشت دگم و بسته از دین داشتند و یا امتیازات و منافع شان را در خطر می دیدند و افراد ملوث بیگانه پرست در تبنانی با جاهل ترین انسان ها وی را خلع قدرت نموده از کشور بیرون کنند.

سه - در باب دین نیز اگر به تعلیمات دین به نیکی و در روشنی اندوخته های علمی جهان معاصر دقت شود، بدون حب و بغض، بدون خوش بینی و بدبینی جاهلانه، آیات زیادی در باب قتال و جنگ و بستن و خشونت و سئیزه خوئی در کنار آیاتی که به نرم خوئی و گذشت و ترحم و بخشش و مدارا و عطف دعوت می کند، وجود دارد.

من در هیچ امری موضع دوستی و دشمنی کورکورانه را اختیار نکرده و نمی کنم. همیشه مخالف خشونت هستم و مخالف خشونت باقی خواهم ماند، حتا اگر دین مبلغ آن باشد. یاد آوری از تعالیم اخلاقی - انسانی موجود در قرآن چیزی است که من به عنوان واقعیت غیرقابل انکار همیشه مصرانه بدان اهتمام ورزیده ام؛ زیرا پایبندی و عمل بدان اگر نگویم صد در صد، بدون اغراق قسمت بسیار زیادی از مشکلات ما را حل می کند.

به فکر من تنها دروغ نگفتن، اگر جدی گرفته شود، یا بهتان نیستن، که هر دو باتأسف امروز در میان ما مانند آب خوردن شده است، سبب خواهد شد که جامعه نه به پولیس احتیاج پیدا کند، نه به شاهد و قاضی و محکمه و زندان و زندانبان! هیچ کدام، نه دزد و نه راهگیر و سیاستمدار و تجار و دکاندار و غیره و غیره، برای این که مجبور به دروغ گفتن نشوند، دست به دزدی و... نخواهند زد. هیچ کس به پولیس بیرون از خود احتیاجی نخواهد داشت، زیرا پولیس درون وی، همان معنویت و اخلاق و وجدان و عاطفه، که وی را متحول ساخته است، او را به راه راست هدایت می کند - نه سیدی تعویذ نویس وجود خواهد داشت و نه مجددی استخاره گر و نه ملائی که مدعی تبدیل کردن دختر به بچه در بطن مادر است و...

بنابراین نه در باب دین و نه در باب "شاه امان الله خان" مرحوم یا مسائل دیگر در تفکر من چرخشی دیده نمی شود. من همواره طرفدار این بوده ام که ارزش دین را، خصوصاً امروز که چیزی از طرف افراط گرایان، چیزی از طرف آن هائی که سود شان را در آلوده ساختن فضاء می بینند، چیزی از طرف آن هائی که با افراط گرایان همآوا هستند و امید دست یافتن به کرسی را در صورت پیروزی آن ها دارند و چیزی هم از طرف سیاستمداران فاسد و خودمحمور روز به روز نظریات منفی پیرامون دین اسلام افزایش می یابد، با پرداختن به جنبه های اخلاقی - انسانی اسلام بالا برد و وجه دیگر آن را به از خود و بیگانه نشان داد - اسلام "ادهم" و "ابوسعید" و "مولانا" و امثالهم را، نه اسلام داعش و طالب و "حقانی" و "مجددی" و "کرزی" و "محقق" و "عبدالله" و آخوند های ایران، مولانا های پاکستان و شیخ های عرب و نظائر شان را. چرا؟ چون جامعه ما یک جامعه مسلمان است و ما راه دیگری نداریم جز از تن دادن بدان چیزی که جامعه خواهان آن است، حتی اگر به تمام معنا با آن موافق هم نباشیم.

۲۰۱۷/۰۱/۰۳